

*Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,*  
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)  
Monthly Journal, Vol. 21, No. 2, Spring 2021, 441-459  
Doi: 10.30465/crts.2020.31166.1865

## **Critique and Analysis of the Book** *Results of Contemporary Arabic Poetry*

**Seyyed Fazlolah Mirghaderi\***

### **Abstract**

Due to the time frame of the so-called contemporary period, the production of abundant poetry and the presence of poets in Arab countries and Arab poets in other countries of the world, it is very difficult to approach contemporary poetry in the form of a book and the template of the thoughts of a research author. Based on his views, contemporary scholar and critic Hassan Ebas has presented some of the approaches of contemporary poetry in the form of a book and has analyzed and criticized those approaches and tried to present most of his critical views in those analyzes. Mention some. In-depth reading of these approaches raises questions such as: Why did the author present these five approaches, and why did each of them have a uniform analysis, and the following sub-headings were not categorized? Undoubtedly, today, the design of contemporary Arabic poetry approaches, considering its breadth, requires a new effort with a new style so that contemporary poetry can be criticized from different dimensions.

**Keywords:** Contemporary Arabic Poetry, Ehsan Abbas, Approaches.

---

\* Professor of Arabaic Langaue and Literture, Shiraz University, Shiraz, Iran, sfmirghaderi@gmail.com

Date received: 07/11/2020, Date of acceptance: 16/03/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
ماه‌نامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی)، سال بیست‌ویکم، شماره دوم، اردیبهشت ۱۴۰۰، ۴۴۳-۴۵۹

## نقد و تحلیل کتاب/تجاهات الشعر العربی المعاصر

### (رویکردهای شعر عربی معاصر)

سیدفضل‌الله میرقادری\*

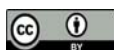
#### چکیده

به دلیل محدودۀ زمانی‌ای که در اصطلاح به آن دوره معاصر می‌گویند، تولیدات شعری فراوان، و عدۀ بسیار شاعران در کشورهای عربی و شاعران عربی‌سرا در دیگر کشورهای جهان بسیار دشوار است که بتوان رویکردهای شعر معاصر را در قالب یک کتاب و در قالب اندیشه‌های یک نویسنده پژوهش‌گر مشاهده کرد. محقق و منتقد معاصر احسان عباس برپایۀ دیدگاه‌های خویش بعضی از رویکردهای شعر معاصر را در قالب کتابی عرضه داشته است و به تحلیل و نقد آن رویکردها پرداخته و سعی داشته است تا در آن تحلیل‌ها بیش‌تر دیدگاه‌های نقدی خویش را عرضه و سپس نمونه‌هایی را ذکر کند. خوانندۀ ژرف‌نگر با بررسی این رویکردها با سؤال‌هایی روبه‌رو می‌شود، از جمله این‌که چرا مؤلف محترم همین پنج رویکرد را مطرح ساخته و چرا در تحلیل هر یک دچار یک‌نواختی شده و مطالب زیر عنوان‌های فرعی دسته‌بندی نشده است؟ در این نوشتار، با شیوۀ توصیفی-تحلیلی به سؤالات ذکرشده پاسخ داده شده است. نتیجۀ حاصل این است که این کتاب در حیطۀ رویکردهای شعر عربی معاصر جامعیت ندارد، ولی به‌وسیله آن زمینه‌ای برای پژوهش در این مسیر فراهم شده است و در صورت رفع نارسایی‌های ذکرشده، برای استفادۀ دانشجویان تحصیلات تکمیلی مفید است.

**کلیدواژه‌ها:** شعر عربی معاصر، احسان عباس، رویکردها.

\* استاد زبان و ادبیات عربی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران، sfmirghaderi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۶



## ۱. مقدمه

نقد آثار ادبی فواید بسیاری دارد و در پیشرفت و راه‌یابی آثار ادبی به‌سوی هدف‌های متعالی تأثیر فراوانی دارد. بدون نقد در هر عرصه به‌ویژه عرصه ادبیات نمی‌توان به‌راحتی راه کمال را پیمود و ازدیگرسو، ارزش آثار ادبی و ماندگاری آن با نقد سازنده آشکار می‌شود. اگر آثار نقادانه‌ای که در دوره معاصر نگاشته شده است، با دوره‌های پیشین مقایسه شود، درمی‌یابیم که لازم است دوره ادبیات معاصر را دوره نقد بنامیم. صورت‌ها، اشکال، و رویکردهای نقدی در دوره معاصر به‌گونه‌ای است که از یک‌سو در این دوره منتقدان فراوان و متعددی ظهور کرده‌اند و ازدیگرسو، اسلوب‌ها و روش‌های نقدی متنوع و متطور شده و براساس نیازهای مختلف بشری و شرایط موجود واکاوی‌های نقدی گسترده شده است و به‌دلیل علل و اسباب فراوان، بازار نقد در عرصه‌های مختلف رواج خاصی دارد. هرچند این نقدهای متطور و گونه‌گون از آسیب به‌دور نبوده و عرصه ادبیات نه‌تنها نیازمند نقد است، به نقد نیز نیاز مبرم دارد. در این حوزه نیز پژوهش‌هایی انجام شده و انجام خواهد شد.

یکی از عرصه‌های مهم نقد ادبی نقد آثار شعری است که این کار به گونه‌های مختلف انجام می‌پذیرد. به‌طور کلی می‌توان فعالیت‌های نقدی را به دو دسته تقسیم کرد:

الف) قصیده‌ای از شاعری یا دیوان شاعری یا موضوعی در شعر شاعری مورد بررسی نقدی قرار گیرد؛

ب) بررسی نقدی رویکردی یا رویکردهایی در شعر معاصر.

کار احسان عباس در کتاب *اتجاهات الشعر العربی المعاصر* از نوع دوم است؛ یعنی منتقد محترم به بحث، تحلیل، و بررسی نقدی موضوعات و رویکردهایی از شعر معاصر پرداخته و درباره علت انتخاب این رویکردها و محدودکردن آن به پنج مورد توضیحاتی عرضه کرده است.

بنای این مقاله بر این است که تحلیل‌ها و بررسی‌های نقدی مؤلف محترم کتاب در بوتۀ نقد قرار گیرد و ارزیابی شود و به محسنات و کاستی‌های آن به‌طور دقیق اشاره شود که پایان بخش آن نتیجه‌گیری و عرضه پیش‌نهادهایی است. برای این کار، ابتدا به مطالعه دقیق کتاب پرداخته شد، سپس با نگاهی ژرف به ابعاد مختلف آن مورد نقد قرار گرفت. امید است این نوشتار مفید واقع شود و تذکری جهت کارهای گران‌سنگ ادیبان و دانشوران عرصه نقد ادبی قرار گیرد.

کتاب‌هایی که گزیده‌ای از شعر شاعران معاصر را موردارزیابی قرار داده‌اند و کتاب‌هایی که به‌طور مستقل به تحلیل و نقد شعر معاصر پرداخته‌اند فراوان است، ولی کتاب‌هایی که رویکردهایی از شعر معاصر را به‌طور مستقل مطرح کرده باشند، زیاد نیستند. غیر از کتاب احسان عباس که در این نوشتار موردنقد است، می‌توان در این عرصه به دو کتاب اشاره کرد:

الف) کتاب *مختارات من الشعر العربي الحديث* نوشته مصطفی بدوی. این کتاب با این که تعداد ۴۵ شاعر عربی معاصر را براساس مکتب‌های ادبی بررسی و دسته‌بندی کرده است (بدوی ۱۳۶۹: ۱۵-۴۹)، ولی مقدمه مفصلی درباره شعر معاصر است که به بحث موردنظر مربوط می‌شود. دسته‌بندی شاعران در این کتاب براساس دیدگاه‌های نویسنده به‌گونه‌ای است که خواننده رویکردهای مختلف را به‌خوبی می‌تواند تشخیص دهد.

ب) کتاب *الاتجاهات والحركات في الشعر العربي الحديث* نوشته سلمی الخضر الجیوسی است. این کتاب در سال ۲۰۰۱ م، یعنی بیست و چهار سال بعد از کتاب *اتجاهات الشعر العربي المعاصر* نوشته احسان عباس، که در این نوشتار موردنقد ماست، تألیف شده است. انتشارات مرکز دراسات الوحدة العربية این کتاب را در بیروت به‌چاپ رسانده است. با توجه به فاصله ۲۴ ساله بین چاپ دو کتاب انتظار می‌رود که کتاب الجیوسی گسترده‌تر و کامل‌تر باشد. در نگاه کلی، می‌توان گفت که اگر احسان عباس در مورد پیش‌روان شعر عربی معاصر بیش‌تر بر شاعران عراق تکیه داشته است، سلمی الخضر الجیوسی بیش‌تر بر شاعران لبنان، به‌ویژه شاعران مسیحی، تکیه دارد که این موضوع در فصل پنجم کتاب نمود بیش‌تری دارد (الگیوسی ۲۰۰۱: ۵۰۱). در این کتاب گردآوری اطلاعات گسترده، تحلیل تاریخی موضوعات، نگرش نقدی به موضوعات شعری، و اعتمادسازی گسترده از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. دکتر فرامرز میرزایی و دکتر حسین ابویسانی این کتاب را به‌صورت عالمانه‌ای تحلیل و نقد انتقادی کرده‌اند (میرزایی و ابویسانی بی تا: ۵).

## ۲. نمای ظاهری کتاب

کتاب *اتجاهات الشعر العربي المعاصر* نوشته احسان عباس (۱۹۲۰-۲۰۰۳) در سال ۱۹۷۷ م در ۲۲۹ صفحه تألیف شده است. این کتاب هشت فصل دارد. در فصل نخست، زمینه تاریخی وجود رویکردهای شعر معاصر را بیان می‌کند (۱۹ صفحه). در فصل دوم، جدیدترین آثار اولیه شعر نو را، که شاعران عراقی نوپرداز یعنی نازک الملائکه، عبدالوهاب

البیاتی، و بدرشاگرد السیاب سروده‌اند، ذکر می‌کند (۱۸ صفحه). در فصل سوم از عوامل محدودکننده چهارچوب تحقیق سخن می‌گوید (۲۰ صفحه). در پنج فصل بعدی به پنج رویکرد پرداخته است: زمان (۲۲ صفحه)، شهر (۲۰ صفحه)، سنت (۲۸ صفحه)، (عشق ۲۰ صفحه)، (جامعه ۱۲ صفحه)، و در ملحقات که ۵۶ صفحه است، آثار شعری آن شاعران را ذکر کرده است. از نازک الملائکه یک قصیده، از بدر شاگرد السیاب دو قصیده، از عبد الوهاب البیاتی دو قصیده، از سمیع القاسم یک قصیده، از خلیل الحاوی یک قصیده، و از ادونیس دو قصیده ذکر شده است. در نهایت هوامش در چهار صفحه تنظیم شده و به ترتیب فصل‌ها، هامش‌هایی با ذکر منابع و مآخذ ذکر شده است. مؤلف محترم هامش را از منابع و مآخذ جدا نکرده است و در صفحه آخر زندگی‌نامه کوتاهی از مؤلف نوشته شده است. دکتر حبیب‌الله عباسی آن را به فارسی روان ترجمه کرده است و این کتاب در سال ۱۳۸۴ ش منتشر شده است. مترجم برای این کتاب مقدمه و پاورقی‌های سودمندی نگاشته است و احسان عباس را قرینۀ استاد زرین‌کوب می‌داند (عباسی ۱۳۸۴: ۱۵).

### ۳. درون‌مایه و ساختار علمی کتاب

مؤلف کتاب سعی بر آن داشته است که در پیش‌گفتار و هر فصل از فصل‌های هشت‌گانه زیربنای موضوع را به‌طور دقیق بنیان نهد و با یک روند اصولی و اساسی وارد اصل مطلب شود و با اشاره به بعضی از آرای دیگران، جهت‌گیری‌های اندیشگانی خویش را درباره صلب موضوع عرضه کند. در این مباحث، آرا و عقاید دیگران درباره رویکرد موردنظر بسیار کم‌رنگ و در حاشیه است و جهت‌گیری‌ها، تحلیل‌ها، و نقدهای او اصل مطلب است و بنیان بحث را تشکیل می‌دهد.

### ۱.۳

مؤلف در مقدمه چاپ نخست (۱۹۷۷م) انگیزه خویش و روش انتخاب رویکردها را بیان و حدود و ثغور پژوهش را تعیین می‌کند و معتقد است که شیوه او در این پژوهش نزدیک کردن شعر به فهم خوانندگان است. سپس به روش خویش در انتخاب رویکردها اشاره می‌کند و از مزایای روش خود این را می‌داند که خواننده با ستون فقرات اندیشه هر شاعر آشنا می‌شود و یکی از معایب روشش را این می‌داند که فرایند تحول و تکامل شعر را تحت تأثیر قرار می‌دهد (عباسی ۱۹۷۷: ۴۸).

شیوه مؤلف ایجاز است و بررسی و تحقیق خود را به سی سال اخیر منحصر کرده و معتقد است که اگر بناست تحقیق جامعی درباره رویکردهای شعر معاصر انجام پذیرد، این هسته اولیه آن است (همان: ۷).

در مقدمه چاپ سوم (۱۹۹۱م) ذکر شده که شعر معاصر را از منظر داخلی بررسی کرده و بدین سان از منظر محققانی پرهیز کرده است که شیفته‌وار از بیرون بدان می‌نگرند. بیش‌تر حجم مقدمه را این موضوع تشکیل می‌دهد که پس از انتشار این اثر، ناقدان مختلفی آن را بررسی و نقد کرده‌اند و از این ره‌گذر مقالات و نقدهای بی‌رحمانه و سنگ‌دلانه‌ای نگاشته‌اند که بیش‌تر متوجه روش مؤلف بوده است. در پاسخ به یکی از ناقدان می‌گوید: «بررسی شعر از ره‌گذر رویکرد سیاسی یا قومی آن را به اسناد و مدارکی تبدیل می‌کند، آن هم به کم‌اهمیت‌ترین سند و مدرک در این زمینه» (عباس ۱۹۹۱: ۴۲). در پایان اظهار امیدواری می‌کند که اگر این اثر اندکی از انتظارات خوانندگان خود را برآورده کرده باشد، بدون تردید نویسنده آن سعادت‌مند است.

### ۲.۳

فصل نخست نگاهی به زمینه تاریخی موضوع است. این فصل مطالب مقدماتی مفصلی دارد. در آن به عواملی اشاره می‌کند که حرکت شعر را به ثبات و بقا می‌رساند. او سه مرحله را متمایز می‌کند؛ نخست مرحله به‌هم‌پیوستگی و مشارکت خاموش؛ دوم نشریه، برای مثال به نشریه *آپولو* اشاره می‌کند که در سال ۱۹۳۲ م به‌همت احمد زکی ابوشادی در مصر شروع به کار کرده است؛ سوم نقش نشر که این مرحله با مرحله قبل پیوندی استوار دارد.

### ۳.۳

فصل دوم «دلالة البواکیر الأولى» (نخستین تجربه‌ها) شانزده صفحه است که مؤلف درباره قصاید اولیه‌ای که پیش‌روان شعر معاصر عربی سروده‌اند، سخن می‌گوید و منظور از آن قصاید شعرهایی است که آرام‌آرام وزن‌های عروضی رسمی را شکسته است و به‌صورت آزاد سروده شده است. از نازک الملائکه و قصیده «الکولیرا» آغاز می‌کند و سپس به شعر السیاب با عنوان «هل کان حبا» (آیا عشقی وجود دارد) می‌پردازد. بعد از آن نمونه‌هایی از اشعار بیاتی را ذکر می‌کند و به‌طور کلی به تحلیل اشعار این سه شاعر از منظر نوآوری می‌پردازد.

### ۴.۳

فصل سوم هجده صفحه (ص ۴۷-۶۵) و عنوان آن «العوامل التي تحدد الاتجاهات الشعرية» (عوامل محدودکننده رویکردهای شعری) است و مؤلف ابتدا عصر حاضر را که در آن به سر می‌برد، عصر انفجار انواع روی‌دادها، مشکلات، ابتکارها، مسائل و نظریه‌ها، دانش‌ها، عصر شتاب در پیشرفت، و دگردیدی در آنچه می‌داند که به همه امور مربوط می‌شود. سپس برخی از مسائل و عواملی را که در رویکردهای شعری معاصر مؤثرند به تفصیل برمی‌شمارد و برای آن شاهدهایی از شعر شعرا می‌آورد. آن عوامل عبارت‌اند از مسئله فلسطین، جنگ، صلح، نژادپرستی، جنگ سرد، انقراض استعمار قدیم، و پدیدآمدن استعمار جدید، مسائل نفت، نقش نشریات، دانشگاه، ارتباطات، و آزادی.

### ۵.۳

عنوان فصل چهارم «الموقف من الزمن» (موضع در برابر زمان) است که بیست صفحه است (ص ۶۷-۸۷). در این فصل، خارج از بحث شعر و شاعری، دیدگاه بعضی از ادیبان و دانشمندان شرقی و غربی درباره عنصر زمان ذکر شده است. مؤلف معتقد است نگرش هر یک از کسانی که تأثیر ژرف و عمیق در جریان شعری گذاشته‌اند، درقبال زمان نیز همان تأثیر ممتاز را داشته است (عباس ۱۹۷۷: ۶۷). سپس با شاهد آوردن بعضی از اشعار موضوع زمان را از جهات مختلف بررسی کرده است.

### ۶.۳

فصل پنجم درباره شهر است (الموقف من المدینه) که نوزده صفحه است (ص ۸۹-۱۰۸). مؤلف در ابتدای این فصل پس از یک مقدمه سؤالی را مطرح می‌کند: «آیا شاعر معاصر عرب شهر را شوک تمدنی (الصدمة الحضاری) می‌داند؟»، سپس در ادامه می‌گوید:

بیش‌تر محققان معتقدند که شهر در جهان عرب چیزی جز قریه بزرگ نیست. وقتی شاعر عرب خود را گرفتار تنگناهای شهر می‌یابد و در آن احساس غربت، اضطراب، و تباهی می‌کند با محاکات محض از همان احساس غربت، اضطراب، و تباهی‌ای سخن می‌گوید که شاعران مغرب‌زمین در تنگنای وابستگی‌های تمدن جدید گرفتار آن‌ها بوده‌اند و کلان‌شهر جلوه بارز آن است (عباس ۱۹۷۷: ۸۹).



### ۷.۳

فصل ششم ۲۶ صفحه است (ص ۱۰۹-۱۳۵) عنوان آن سنت «الموقف من التراث» است. این موضوع در مقایسه با موضوعات دیگر حساس‌تر است، چون در رویکرد شاعر به سنت نشانه‌های انقلاب و هم‌چنین نوگرایی و وضوح بیش‌تری از رویکرد وی به زمان و شهر آشکار می‌شود. مؤلف در این فصل بیش‌ترین شکیبایی را پیشه کرده که هرچیز را به‌جای خود بشناسد و از افراط و تفریط به‌دور باشد و در سخن از سنت و مدرنیته کاملاً خویشتن‌دار باشد. این سخن او مهم‌ترین شاهد است:

اگر شعر انقلابی‌ترین شاعر علیه زبان قبیله، یعنی ادونیس، را بخوانیم درمی‌یابیم که آن شعر گاهی یکی از آن دو اسطوره‌ای که به واقعیت اجتماعی آن شعر نزدیک‌تر است، برمی‌گزیند یا بعضی از اوقات هر دو را با هم انکار می‌کند و به اسطوره مطلق و غیرتاریخی متوسل می‌شود (عباس ۱۹۷۷: ۱۱۱).

### ۸.۳

در فصل هفتم، مؤلف وارد لغزنده‌ترین مبحث می‌شود. این فصل هجده صفحه است (ص ۱۳۷-۱۵۵). عنوان آن عشق (الحب) است. مؤلف معتقد است اگر نزار قبانی و تاحدی صلاح عبد الصبور را استثنا کنیم، می‌توان گفت که عشق در شعر شاعران دیگر یک موضوع مستقل نیست و در جریان شعری آنان ذوب شده است (عباس ۱۹۷۷: ۱۳۸). مؤلف موضوع عشق را با شواهدی از اشعار نزار قبانی، فدوی توقان، سلمی الخضراء الجیوسی، البیاتی، و محمود درویش مورد بررسی قرار داده و ابعاد مختلف آن را بیان کرده است.

### ۹.۳

فصل نهمی کتاب ده صفحه (ص ۱۵۷-۱۶۷) است و عنوان آن جامعه (المجتمع) است. شاید دلیل کوتاه‌بودن این فصل ملموس بودن و نزدیکی اجتماع به ذهن انسان است. مؤلف در این فصل، خارج از بحث شعر و شاعری، موضوع اجتماع را از دیدگاه دانشمندان رشته‌های مختلف از جمله جامعه‌شناسی، حقوق، و فلسفه و از دیدگاه نویسندگانی مانند نجیب محفوظ مورد بررسی قرار داده است. پرسش‌های اصلی بحث چنین است:

- آیا گرایش شاعر به جامعه بیان‌گر مسئله خاصی است؟ اگر پاسخ مثبت باشد، این دو سؤال مطرح می‌شود:

- آیا رواست که فرد با جامعه در کشمکش باشد؟ آیا اصولاً چیزی به نام نزاع طبقاتی در یک جامعه وجود دارد؟ تلاش مؤلف در این فصل این است که به این سؤالات پاسخ دهد و موضوع را با مسئولیت شاعر پیوند دهد.

#### ۴. معادل‌سازی اصطلاحات تخصصی

باتوجه به این‌که نویسنده کتاب معتقد است که پیش‌قراولان شعر عربی معاصر با تأثیرپذیری از شعر انگلیسی به نوپردازی روی آورده‌اند، بی‌تردید در این اثر اصطلاحات تخصصی وجود دارد، ولی مؤلف سعی بر آن داشته است که معادل دقیق عربی آن را به کار ببرد، به طوری که خواننده اولاً به اصالت و گستردگی واژگانی زبان عربی ایمان داشته باشد، ثانیاً برداشت نادرستی از آن اصطلاحات نداشته باشد؛ باتوجه به این‌که به آرای دانشمندان خارجی زیاد اشاره شده، برای مثال صفحه ۱۱۱ ناقد فرانسوی رولان بارت ذکر شده است.

#### ۵. تناسب محتوای کتاب با اهداف درس

این اثر در قالب یک کتاب درسی نیست که به‌طور منظم نقد ادبی را عرضه کند و برای تدریس نقد ادبی عرضه شده باشد، بلکه اثری پژوهشی و تقریباً تصنیفی در حوزه نقد ادبی است. ازسویی حاوی مطالب مهم، جذاب، و ارزنده‌ای است که دانشجوی درس نقد ادبی با دانستن آن وارد عرصه‌های جذاب و مطلوبی می‌شود، ولی ازسوی دیگر هیچ اسلوب نقدی را در قالب روش یا مکتب نقدی فرا نمی‌گیرد. بنابراین، این اثر تنها جهت درس نقد ادبی در دوره کارشناسی ارشد به‌عنوان منبع فرعی مناسب است که دانشجو فصول آن را مطالعه کند و مطالب آن را به بحث بگذارد؛ یعنی هر فصل را یک دانشجو به‌عهده گیرد و پس از مطالعه دقیق و تأمل و ژرف‌نگری مطالب اصلی و جوهری آن را در کلاس به بحث گذارد. بی‌تردید تحلیل‌ها و موشکافی‌هایی که استاد در حاشیه مباحث و گفت‌وگوهای دانشجویان عرضه می‌کند، بسیار مفید است و منشأ پژوهش‌های ارزنده دیگری خواهد شد. برای مثال، دانشجویان می‌توانند هریک از رویکردهای مطرح‌شده را در شعر شاعران دیگری خارج از کتاب موردبررسی قرار دهند و مقاله یا رساله یا کتابی تألیف کنند یا این‌که می‌توانند رویکردهای دیگری را در شعر عربی معاصر غیر از آنچه مطرح شده است، معرفی کنند و به بحث و بررسی آن پردازند و نتیجه پژوهش خویش را نگاهشته و عرضه کنند و از دیگران بخواهند نوشته‌هایشان را موردتحلیل و نقد قرار دهند.

## ۶. تناسب محتوای کتاب با عنوان و فهرست مطالب

وقتی که خواننده کتاب *عنوان اتجاهات الشعر العربي المعاصر* را مشاهده می‌کند، با اولین مشکلی که مواجه می‌شود کلمه معاصر است. این کلمه برای زمان تألیف کتاب صادق است، ولی برای امروز، که ۳۷ سال از آن زمان می‌گذرد، دیگر صادق نیست. وقتی که در زبان عربی از دوران معاصر سخن می‌گوییم، حتماً شاعرانی مدنظرند که در آن زمان در قید حیات‌اند. آنان برای آن روز معاصر بودند و برای امروز دیگر معاصر نیستند، بلکه در اصطلاح شاعران جدیدند.

خواننده با مشاهده عنوان کتاب از چند و چون رویکردهای شعر عربی معاصر حدس دقیقی ندارد. ممکن است رویکردهایی را که در ذهن خود دارد، حدس بزند. وقتی که وارد فهرست مطالب می‌شود و با رویکردهای پنج‌گانه روبه‌رو می‌شود، اولین سؤالی که به ذهنش خطور می‌کند این است که چرا فقط این پنج رویکرد باشند و چرا دیگر رویکردها نباشند؟ وقتی خواننده به مقدمه می‌رسد و دلایل ایجاز و خلاصه‌گویی مؤلف را می‌خواند، باز هم مشکل او حل نمی‌شود و با خود می‌گوید اگر با این دلایل ذکر شده لازم است فقط پنج مورد ذکر شود، چرا این پنج مورد آمده است؟ چرا از انسان، طبیعت، زندگی و مرگ، آرمان‌شهر، معمای هستی، جهانی شدن، و رویکرد تأمل سخن به میان نیامده است؟

وقتی خواننده به فهرست مطالب می‌نگرد، به جز سه فصل نخست، که نقش تمهیدی و زمینه‌سازی دارند، با پنج موضع‌گیری روبه‌رو می‌شود. در این موضع‌گیری‌ها مؤلف محترم از شاعران و قصایدی سخن می‌گوید و به نقد و موضع‌گیری‌ای در قبال آنان می‌پردازد که خواننده آن قصاید را ندیده است و آن قصاید در پایان و در قالب ملحقات آمده‌اند. از سوی دیگر، هر مبحث یک‌نواخت است و جز فصل ششم در بقیه فصول دیگر عنوان‌های فرعی دیده نمی‌شود و بسیار خسته‌کننده است، ولی از نظر محتوا بین عنوان هر فصل و محتوای آن تناسب نسبی وجود دارد.

## ۷. مطابقت محتوای کتاب با سرفصل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

محتوای مطالب کتاب تناسب اندکی با آخرین سرفصل وزارتی دارد که در تاریخ ۱۳۸۶/۲/۲۹ به تصویب شورای گسترش و در تاریخ ۱۳۸۵/۴/۹ به تصویب دانشگاه رسیده است. مطابق سرفصل مذکور کتابی باید تدریس شود که یک دوره نقد ادبی را در سطح عالی عرضه کرده باشد. در حالی که این کتاب دیدگاه‌های نقدی استاد احسان عباس را

در مورد رویکردهایی از شعر عربی معاصر مطرح می‌کند که در جای خود بسیار مفید است. با توجه به این که این کتاب به عنوان منبع فرعی معرفی خواهد شد، بنابراین، انتظار نیست که با آن سرفصل‌ها کاملاً منطبق باشد. امید است با تدبیر استادان محترم در استفاده از این کتاب موجبات ارتقای توان نقدی دانش‌اندوزان در رشته زبان و ادبیات عربی در دوره کارشناسی‌ارشد فراهم آید.

### ۸. روزآمدی اطلاعات و ارجاع به منابع معتبر

با توجه به زمان تألیف این کتاب (۱۹۷۷م)، یعنی ۳۷ سال پیش، مؤلف محترم که از متخصصان ادبیات و از منتقدان برجسته است، سعی بر آن داشته است که نخست اندیشه، تحلیل، و نظریات نقدی خودش محور بحث باشد. دوم این که باین که اطلاعاتش به روز است و بر موج‌های نوگرایی در شعر معاصر و رخدادهای ادبی جهان در عصر معاصر تسلط و اشراف خوبی دارد، اطلاعاتی که بر آن تکیه می‌کند به روز و دست‌اول است.

منابع مورد استفاده مؤلف در این کتاب دو دسته‌اند: دسته نخست دیوان‌های شعری شاعرانی است که بیش‌تر مورد بحث بوده‌اند؛ از جمله پیش‌روان شعر جدید. دسته دوم منابعی که مؤلف آن منابع را به عنوان شاهدهی برای مواضع خویش آورده است؛ از جمله *قضایا الشعر المعاصر*، اثر نازک الملائکه. منابع غیر از دیوان‌های شعری اندک و انگشت‌شمار است. منابع مورد استفاده در پایان کتاب در خلال هوامش آمده است.

### ۹. نوآوری‌های اثر

وقتی به زمان نگارش کتاب بنگریم، مباحث آن سرشار از نوآوری است. وقتی مؤلف رویکردهای شعر معاصر را مطرح می‌کند و سخن از پنج مقوله به میان می‌آورد، درحقیقت او در قبال پنج رویکرد موضع‌گیری می‌کند و به گونه‌ای آن موارد را مورد بررسی، تحلیل، و نقد قرار می‌دهد که سخنش نو و جذاب است، اما هم‌چنان که به پیش می‌رویم، درمی‌یابیم که امروزه رویکردهای شعر معاصر بسیار گسترده شده، به طوری که بسیاری از رشته‌های دانش بشری را دربر گرفته و تحت‌تأثیر قرار داده است. بنابراین، مباحث این کتاب امروزه نیز ارزنده است، ولی جامعیت ندارد.

یکی از جنبه‌های نوآوری مؤلف در این اثر این است که از جمع‌آوری مطالب دیگران و کنارهم گذاشتن گفتارهای دیگران خودداری کرده است، به طوری که شخصیت او در لابه‌لای

اثر به‌طور آشکارا دیده می‌شود. او در تجزیه و تحلیل براساس عرصه‌ای که گشوده است، کاملاً موفق بوده است و در زمینه‌های موردنظر کار را به سامان رسانیده است. کیفیت و کمیت تجزیه و تحلیل‌های او در سطح مطلوبی است. مؤلف سعی کرده تا آرا و نظریات دیگران را تاجایی که ممکن است مطرح نکند و از آن‌ها بهره‌نبرد و به نقد و تحلیل آن‌ها نپردازد، اما در مواردی که به ذکر آرای دیگران پرداخته، فقط به‌منظور شاهد مثال بوده است.

### ۱۰. نظم منطقی و انسجام مطالب کتاب

کتاب دارای پیش‌گفتار، هشت فصل، یک ضمیمه، و هوامش است و کیفیت قرارگرفتن هر قسمت منسجم و منطقی است. مطالب درون هر فصل منسجم است، ولی به‌دلیل نبودن عنوان‌های فرعی بسیار خسته‌کننده است. غیر از فصل ششم که چند عنوان فرعی دارد، بقیه فصول بدون عنوان فرعی و بدون دسته‌بندی است. درحقیقت هر فصل یک عنوان دارد و مطالب به‌دنبال آن عنوان آمده است؛ باین‌که وجود عنوان‌های فرعی و ریز در یک کتاب فهم را آسان و به‌دلیل تنوع و گونه‌گونی در خواننده شوق ایجاد می‌کند.

باوجود انسجام در هر مبحث خواننده نمی‌داند که چپینش فصل‌های پنج‌گانه که مربوط به پنج رویکرد است، بر چه اساسی است و چرا مقوله‌ی زمان ابتدا و مقوله‌ی اجتماع در پایان است؟ چرا مبحث «الحب» در فصل پیش از آخر قرار گرفته و مبحث «التراث» در مرتبه‌ی سوم؟ باین‌که مؤلف محترم برای محدودکردن رویکردها و به‌ایجاز سخن‌گفتن استدلال‌هایی آورده است، ولی درمورد ترتیب قرارگرفتن رویکردها هیچ استدلالی نیاورده است.

### ۱۱. رعایت بی‌طرفی نگارنده در نقد و رعایت امانت

مطالب کتاب به‌طور کلی دو دسته است: دسته‌ی نخست دیدگاه‌ها، تجزیه و تحلیل‌ها، و نقدهای مؤلف است که بیش‌تر حجم کتاب را شامل می‌شود. دسته‌ی دوم اشعار شاعران و آرا و نظریات آنان است که مؤلف آن‌ها را شاهد ذکر کرده و به نقد آن‌ها پرداخته است.

نگارنده کتاب در اظهارنظر و ارائه دیدگاه‌های خویش، باین‌که محور خود اوست، سعی داشته است تا از افراط و تفریط به‌دور باشد و هرچه را که بدان معتقد است، به خوانندگان ارائه کند و در انتظار نقد آنان بنشیند. ازسوی دیگر، در بیان آرا و نظریات دیگران ابتدا

گزارش‌گر بوده و به‌عنوان شاهد به نظر دیگران متوسل شده و در تحلیل و نقد آن سخنان نیز جانب انصاف و دادگری را رعایت کرده است. خواننده با مطالعه مطالب این کتاب شخصیت مؤلف را این‌گونه خواهد دید: استادی که اخلاق حرفه‌ای را می‌داند و روش تحلیل و نظریه‌پردازی‌اش کاملاً دانشگاهی است. از اغراق و مبالغه به‌دور است و هرگز نخواستہ دیگران را تحقیر کند و کوچک بیندارد.

مؤلف محترم در تجزیه و تحلیل و نقد اشعار شاعران واقع‌بین و حقیقت‌گراست. واقعیت‌های موجود را عرضه می‌کند. اشراف او به جریان‌های شعری زمان خویش و پیش از آن بسیار دقیق و ستودنی است؛ گویی با ذهن ذره‌بینی خویش هرگونه حرکت و جنبنده‌ای را در فضای فعالیت‌های شعری تشخیص داده و برای آن جایگاهی قائل است و در این وادی از روی حدس و گمان سخن نمی‌گوید.

## ۱۲. سازگاری محتوای اثر با فرهنگ اسلامی

رویکرد اثر هیچ تعارضی با فرهنگ و ارزش‌های اسلامی ندارد و می‌تواند به توانایی‌های ادیبان و دانش‌پژوهان در عرصه‌های ادبیات بیفزاید. باین‌که مقوله‌های انتخاب‌شده در پنج فصل جایی را برای پرداختن به مباحث دینی و ارزش‌های اسلامی نگذاشته و در گفتارهای مؤلف اقتضای این نبوده است که به‌طور مستقیم وارد مباحث دینی و اسلامی شود، ولی گاهی در اشعار به مکان‌های مقدس مثل مسجد یا بعضی از شخصیت‌های اسلامی مانند امام حسین (ع) اشاره شده که در تحلیل‌ها بحث به‌طور طبیعی به‌پیش رفته است (عباس ۱۹۷۷: ۱۲۶) و در صدر شعر ادونیس، به حدیث شریفی از ابوذر غفاری صحابی رسول خدا و امام علی (ع) اشاره شده است (همان: ۱۶۹).

رویکردهای دینی و گرایش به ارزش‌های اسلامی از جمله رویکردهای شعر معاصر است که در این کتاب به‌دلیل ایجاز موردنظر نبوده است و لازم است در کتاب‌های دیگر به‌طور مفصل دنبال شود.

## ۱۳. ویژگی‌های برتر کتاب

پس از مطالعه دقیق مباحث کتاب و ژرف‌اندیشی در فصل‌ها و مطالب تودرتوی آن، درمی‌یابیم که این اثر جوانب مثبت زیادی دارد و در نوع خود دارای برتری‌هایی است که از آن جمله است:

۱. چون نگارنده استاد ادب عربی است، متن کتاب را با زبانی فخیم و علمی نگاشته است و در آن خطاهای نگارشی دیده نمی‌شود و خطاهای چاپی نیز اندک است؛
۲. مؤلف در عرضه آرای نقدی و جهت‌گیری‌های خویش جانب ایجاز و خلاصه‌گویی را رعایت کرده و سعی داشته است تا حاصل آرا و اندیشه‌های نقدی خویش را در عرضه رویکردهای شعر معاصر در کتابی با حجم متوسط در قالب ۱۶۷ صفحه مطالب اصلی و ۲۲۹ صفحه با ملحقات و هوامش عرضه کند. با توجه به این‌که هر فصل در حدود بیست صفحه است، برای یک جلسه درس که دانشجو بخواهد کنفرانس دهد مناسب است؛
۳. نگارنده با رعایت انصاف و بدون افراط و تفریط به عرضه آرا و اندیشه‌های نقدی خویش پرداخته است؛
۴. نگارنده در عرضه افکار و آرای نقدی خویش در قالب مکتب خاصی قرار نگرفته و در برابر جریان‌های موجود به‌ویژه روش‌های نقدی غرب خودباخته نشده است؛
۵. مطالب کتاب با فرهنگ اسلامی، ارزش‌های دینی، فرهنگ، و تمدن ایرانی هیچ تعارضی ندارد.

## ۱۴. نارسایی کتاب

از آن‌جا که آثار و فراورده‌های انسانی عموماً بدون لغزش نیست و غیر از معصومان (ع)، همه انسان‌ها با توجه به مراتبی که دارند با کم‌وکاستی‌هایی در کار خویش مواجه می‌شوند و هر خواننده با توجه به توقعات و انتظارات خویش در هر اثر نارسایی‌هایی خواهد دید، این کتاب نیز از این قاعده مستثنا نیست. به گفته شاعر:

و من المحال بأن نرى أحدا حوى      كنه الكمال و ذا هو المتعذر  
و النقص فى كنه الطبيعة كامن      فبنو الطبيعة تقصهم لا يتكر

(غفرانی ۱۹۶۵: ۵۱۲)

نارسایی‌هایی که در این کتاب به نظر می‌آید، عبارت است از:

۱. رویکردهای شعر عربی معاصر به پنج مورد منحصر شده است. درحالی‌که غیر از آن‌چه که گفته شده، می‌توان به رویکرد انسان، طبیعت، مرگ و حیات، معمای هستی، زندگی ایدئال یا حیات طیبیه، تأمل و ژرف‌اندیشی، آرمان‌شهر، رویکرد جهانی‌شدن (العولمة) در شعر معاصر، و نیز رویکردهای دینی به‌ویژه رویکرد اسلامی توجه کرد. مقوله مقاومت در شعر معاصر و رویکردهای امثال آن امروزه از اهمیت والایی برخوردار است.

رویکرد جهانی شدن برای مثال یکی از رویکردهای مهم شعر معاصر است که در این عرصه پژوهش‌هایی انجام شده است، حتی از نظر تاریخی آن را پنج مرحله دانسته‌اند: مرحله جنینی، مرحله پدیداری، مرحله حرکت و آزادشدن، مرحله درگیری جهت چیره‌شدن، و مرحله یقین (نصرالله ۲۰۰۷: ۳۶).

گرایش به تأمل و ژرفاندیشی به‌طور گسترده و ویژه یکی دیگر از رویکردهای شعر عربی معاصر است. تأمل در طبیعت، حیات، معنویات، و مسائل اجتماعی از نمودهای اصلی تأمل است. «این گرایش در دوره معاصر به‌گونه دیگری است، شاعران معاصر به‌طور چشم‌گیری به تأمل روی آورده‌اند» (میرقادری ۱۳۸۴: ۸۵).

چگونه می‌توان رویکرد مقاومت را در شعر معاصر نادیده انگاشت، درحالی‌که مبارزات گسترده‌ای در جهان علیه ستم در جریان بوده و همچنان رو به گسترش است و شعر در برافروختن مشعل فروزان این مبارزات نقش به‌سزایی دارد. «سهم قابل‌ملاحظه‌ای از خونی که در شریان نهضت فلسطین در حرکت است، محصول شعرهای یک عده شاعر جوان و انقلابی است که در سراسر کشورهای عربی با این نهضت هم‌دلی و هم‌سرایی دارند» (شفیعی کدکنی ۱۳۸۰: ۲۴۹).

۲. آن‌گاه که دکتر احسان عباس در ۳۷ سال پیش کلمه معاصر را به‌کار می‌برد، مصداق آن تا به امروز متفاوت است و معاصر آن روز تا معاصر امروز فاصله زیادی است.

۳. جهت تحلیل و نقد هر قصیده ابتدا لازم است که آن قصیده ذکر شود و پیش‌روی خواننده باشد، سپس قسمت‌هایی که لازم است مورد تحلیل قرار گیرد، در قالب بیت یا ابیاتی ذکر شود و بعد از آن تحلیل و نقد آورده شود. مؤلف محترم چون خودش قصاید بیاتی، نازک الملائکه، بدر شاکر السیاب، و ... را در ذهن دارد، به تحلیل و نقد قسمت‌هایی از آن می‌پردازد و حتی به تلمیحات، اشارات، و نکات تاریخی آن می‌پردازد، درحالی‌که خواننده آن قصاید را در پیش‌روی خود ندارد و آن را در پایان کتاب مشاهده خواهد کرد. گاهی مؤلف در لابه‌لای کلام خویش اندکی از شعری را که خواننده از آن هیچ خبری ندارد ذکر می‌کند (عباس ۱۹۷۷: ۴۵).

۴. هیچ دلیلی برای ترتیب رویکردهای پنج‌گانه ذکر نشده است؛ برای مثال چرا مقوله زمان در ابتدا و مقوله اجتماع در پایان قرار گرفته است.

۵. مطالب هر فصل یک‌نواخت و بدون فراز و فرود و بدون عنوان‌های فرعی است. مطالب هر فصل به‌طور دقیق و به‌خوبی دسته‌بندی نشده است. غیر از فصل ششم که چند عنوان فرعی دارد، هفت فصل دیگر یک‌نواخت و خسته‌کننده است.



۶. نمونه‌های شعری که در ملحقات آمده است، منسجم و منظم نیست. مثلاً شعری از بدر شاکر السیاب (فی السوق القلیم) در شماره دوم قرار گرفته و شعر دیگرش (حدائق و فیکة) در شماره هشت؛ بدون این‌که با علامت یا عددی با متن کتاب ارتباطی داشته باشد. شعری از ادونیس (تحولات الصقر) در ردیف هفتم قرار گرفته است و شعر دیگرش (السماء الثامنة) در ردیف نهم.

۷. هیچ شعری از شاعران مذکور به‌طور منظم در حیطه موردنظر تحلیل و نقد نشده است، بلکه به‌صورت جسته‌گریخته از شعر هر شاعری سخن به‌میان آمده است.

۸. دنیای شعر عربی در نظر گرفته نشده، باین‌که نگارنده تعصب منطقه‌ای ندارد، ولی به مناطق ویژه‌ای توجه شده است، باین‌که رقعۀ شعر عربی معاصر بسیار گسترده است و همه کشورهای عربی و حتی غیرعربی را شامل می‌شود و نمی‌توان گفت که در شعر خارج از منطقه مذکور نوآوری وجود ندارد.

۹. بعضی از مطالب و تحلیل‌ها از موضوع شعر معاصر خارج است؛ مثلاً بحثی درباره موضوع‌گیری نجیب محفوظ در داستان‌هایش درباره اجتماع مطرح شده است (عباس ۱۹۷۷: ۱۵۷).

۱۰. در پایان هر مبحث، خلاصه مطالب، نتیجه‌گیری، سؤال، و تمرین وجود ندارد.

۱۱. در پایان کتاب فهرست منابع به‌طور دقیق، مجزا، و منسجم ذکر نشده، بلکه در خلال ارجاعات و هوامش قرار گرفته است.

۱۲. مؤلف محترم برای ادامه بحث رویکردهای شعر عربی معاصر برای آیندگان هیچ طرحی را ارائه نداده و هیچ پنجره‌ای را نگشوده و هیچ فضایی را پیش‌بینی نکرده است.

## ۱۵. نتیجه‌گیری

پس از نقد و بررسی کتاب/تجاهات الشعر العربي المعاصر نتایج حاصل آمد که خلاصه آن چنین است:

۱. جهت پیشرفت پایدار و بنیادین در پهنه ادبیات به‌ویژه شعر عربی لازم است به کتاب‌های درسی به‌عنوان منابع اصلی و منابع فرعی اهمیت بیش‌تری داده شود و در هر ماده درسی حتماً غیر از منبع اصلی کتاب دیگری به‌عنوان منبع فرعی معرفی شود تا دانشجویان به بحث و بررسی آن بپردازند.

۲. در صورتی که نارسایی‌های پیش‌گفته این کتاب برطرف شود، به‌عنوان منبع فرعی مناسب در درس نقد ادبی در دوره کارشناسی ارشد بسیار مفید خواهد بود و به‌عنوان منبعی جهت پژوهش‌های دیگر برای دانشجویان دوره دکتری نیز مناسب و مفید است.

۳. این کتاب در حیطه رویکردهای شعر عربی معاصر جامعیت ندارد، ولی از آن‌جاکه حاصل اندیشه‌های نقدی ادیبی بزرگ است، می‌تواند به دانشجویان سرنخ‌هایی بدهد تا پژوهش‌های دیگری در این مسیر انجام دهند.

۴. با استفاده از این کتاب، دانشجویان تحصیلات تکمیلی می‌توانند در پژوهش‌های این حوزه به‌ویژه با تکیه بر موضوعات دینی و ارزش‌های اسلامی فعال باشند و موفقیت‌های چشم‌گیری به‌دست آورند.

بنابراین، به‌منظور ارتقای کتاب، دو دسته پیش‌نهاد برای اصلاح آن و روند بحث عرضه می‌شود: پیش‌نهاد نخست درمورد اصلاح کتاب است و پیش‌نهاد دوم در ارتباط با ادامه بحث رویکردهای شعر عربی معاصر:

۱. جهت ارتقای مباحث کتاب پیش‌نهاد عملی این است که بسیاری از نارسایی‌های پیش‌گفته، که صوری و ظاهری است، رفع شوند، مطالب دسته‌بندی شوند، و قصاید در خلال مباحث نیز ذکر شوند؛

۲. هرچند در عرصه رویکردهای شعر عربی معاصر با عنوان‌ها و بیان‌های مختلف آثاری عرضه شده است، ولی پیش‌نهاد می‌شود که گروهی از صاحب‌نظران و متخصصان شعر عربی جدید و نقد ادبی در کشورمان به بحث رویکردها به‌طور گسترده پردازند، به‌گونه‌ای که به‌صورت منسجم و منظم هر یک از رویکردهای موجود در جهان در قالب یک جلد کتاب قرار گیرد تا سلسله‌کتاب‌هایی درمورد رویکردهای شعر عربی فراهم آید و به مشتاقان این حوزه عرضه شود.

## کتاب‌نامه

بدوی، مصطفی (۱۳۶۹)، *گزیده‌هایی از شعر عربی معاصر*، ترجمه غلامحسین یوسفی و یوسف بکار، تهران: اسپرک.

الجیوسی، سلمی الخضراء (۲۰۰۱)، *الاتجاهات والحركات فى الشعر العربى الحديث*، بیروت: مرکز الدراسات الوحده العربیة.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰)، *شعر معاصر عرب*، تهران: سخن.

- عباس، احسان (۱۹۷۷)، *تجاهات الشعر العربي المعاصر*، کویت: عالم المعرفة.
- عباسی، حبیب‌الله (۱۳۸۴)، *رویکردهای شعر معاصر عرب*، تهران: سخن.
- غفرانی الخراسانی، محمد (۱۹۶۵)، عبدالله بن مقفع، القاهرة: المطبعة المصرية.
- میرقادی، سیدفضل‌الله (۱۳۸۴)، «شعر تأملی» در *ادبیات عربی معاصر*، شیراز: نوید.
- نصرالله، فؤاد (۲۰۰۷)، *تجلیات العولمة الثقافية والسياسية في شعر محمود درويش*، بیروت: الانتشار العربي.